

روزنه

خاموشی کسی که حرفه انقلاب‌های عربی را روشن کرد

■ درباره علت اینکه چرا و چه کسی عکس محمد بوعزیزی، شهید برجسته انقلاب تونس را از جایگاهش روی یک سکوی طلایی‌رنگ در خیابانی که روزی او خود را آتش زد تا آتش انقلاب‌های عربی را روشن کند از بین برده است، هنوز نمی‌توان قضاوت درستی کرد؛ زیرا عده‌ای می‌گویند این افراد ضد انقلاب بوده‌اند که دست به چنین کاری زده‌اند اما برخی دیگر معتقدند باد و باران آن عکس را از بین برده و کنده است.

همسایگان بوعزیزی می‌گویند چند هفته پیش عکس او را تعدادی از روی کینه و نفرت پاره کردند؛ یعنی زمانی که مادر، عمو و خواهرانش شهر سیدی بوزید را ترک کردند تا در جای دیگری اقامت کنند. همسایگان این اقدام را نوعی خیانت به حساب می‌آورند. از چندی قبل شایع شده بود که خانواده بوعزیزی با گرفتن مبلغ زیادی پول تصمیم گرفته است در ویلایی در جای دیگری از تونس زندگی کند. اما مهم‌تر اینکه شاید آنها به این دلیل خشمگین شده باشند که انقلاب تمام شده ولی اوضاع آنها هیچ تغییری نکرده است. یعنی باید بدون امیدی به آینده و دست یافتن به پولی همان‌طور بیکار و فقیر به حال خود رها شوند. بوعزیزی می‌گوید: آنها رفتند و هیچ چیزی تغییر نکرد.

با این حال حمله به تصویر یکی از فرزندان محبوب این شهر، حاصلی جز تزیق احساس عمیق ناکامی برجای نخواهد گذاشت. هم اکنون اکثر ساکنان این منطقه با خود می‌گویند نباید آن طور جوش می‌آورند. آنها در همان حال کم‌کاری دولت انتقالی را در پرداختن به مشکلات مردم به شدت سرزنش می‌کنند. به گفته آنها، دولت به‌خصوص در حل مشکلات شهرهایی که سر چشمه اصلی انقلاب بودند، کوتاهی کرده است. این تلخکامی البته با نوعی خوش‌بینی آشفته و محتاطانه نسبت به تحقق اهداف انقلاب در سایر نقاط تونس نیز به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که طی چند ماه اخیر شاهد برپایی تظاهرات و آشوب‌هایی نیز بوده‌ایم که عمدتاً در مورد شغل و بیکاری بوده و بارها نیز به خشونت کشیده شده است.



دولتی گسترده مخالفت می‌کنند حال آنکه چنین پروژه‌هایی می‌تواند شغل‌های بیشتری را تأمین و مشکلات را برطرف کند. منجی بوغزاله، استاد اقتصاد دانشگاه تونس می‌گوید: این جا هیچ چیز وجود ندارد که بتوان آن را آرایه داد. به برنامه‌های کمی که مطرح شده بسیار دیر هنگام و ناکافی است. خیلی‌ها انتظار دارند فوری چیزی اتفاق افتد. آنها انتظار دارند بلافاصله بعد از انقلاب، بازار کار دوباره جان بگیرد. وی در عین حال می‌افزاید: جوانی که می‌گوید: «من کار می‌خواهم چرا کسی به من توجه نمی‌کند» برای هیچ‌کس قابل تحمل نیست اما بهم نیست که این مسایل را گناه دولت بدانیم یا بازار.

این روزها در تونس و همین‌طور مصر، آن خوش‌بینی سابق نسبت به انقلاب‌های مردمی به صخره سخت واقعیت‌های موجود خورده و در هم شکسته است. این در حالی است که در این کشورها عمده‌تأ یک نوع رکود اقتصادی وجود دارد و دولت‌های موقت نیز که حاکم هستند با سعی می‌کنند یک نظام جدید را تأسیس کنند و همین امر اوضاع را روز به روز بدتر از گذشته می‌کند. بیکاری در تونس تا زمان قبل از انقلاب به حدود ۳۰درصد در شهرهای اصلی و ۴۰درصد در شهرهای حاشیه‌ای مانند سیدی بوزید رسیده بود. اقتصاد تونس در ماه‌های منتهی به قیام مردم به شکلی گسترده زیان دید و انتظار نمی‌رود که در سال‌جاری نیز رشد چشمگیری داشته باشد. از طرف دیگر گردشگری و مشکل پناهندگان فراری از لیبی هم مزید بر علت شده است. طی هفته‌های اخیر بارها تلویزویون‌البحای قائدالسیسی، نخست‌وزیر تونس را نشان داده است که می‌گوید ۷۰۰هزار جوان بیکار داریم و این در واقع بیش از ۱۵درصد از نیروی کار کشور را در برمی‌گیرند. جالب اینکه حدود ۱۷۰هزار نفر از آنان را جوانان تحصیلکرده دانشگاهی تشکیل می‌دهد. برنامه دولت جدید این است که بتواند حداقل ۶۰ هزار شغل ایجاد کند اما اعتراف دارد که اصلاحات سریع امکان‌پذیر نیست و برای دست یافتن به چنین اصلاحاتی باید بازار گازان و سرمایه‌گذاران بر مناطق محروم کشور تمرکز کنند.

منبع:الشرق الاوسط

انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه در سال ۲۰۱۲ از جهات مختلف حایز اهمیت است. یکی از نکات مهم این انتخابات، گمانه‌زنی در خصوص احتمال نامزدی پوتین و مدودف است. این مساله به حدی برای همه جالب شده که رفتار و اعمال فرد مستقل را نخست‌وزیر روسیه به شدت تحت نظر رسانه‌ها و ناظران قرار گرفته است. به نحوی که حتی اعمال و رفتار معمول این دو نفر نیز به حساب انتخابات آتی و جهت‌گیری‌های آنها گذاشته می‌شود.

پوتین و مدودف؛ سوالات و شبهات

از فردای انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه در سال ۲۰۰۸، سوالات زیادی در خصوص آینده پوتین و مدودف مطرح شد؛ سؤالاتی که از نحوه حکمرانی و تقسیم قدرت بین آنها شروع می‌شد و تا انتخابات آتی ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۲ ادامه می‌یافت. دلیل اصلی این گمانه‌زنی‌ها به تغییرات عجیب و تا حد زیادی نادر در فضای سیاسی روسیه باز می‌گشت. زیرا برای نخستین بار یک رییس‌جمهور به حمایت از کاندیدای مورد نظر خود پرداخت و پس از پیروزی وی در انتخابات، به مقام نخست‌وزیری دست یافت. در واقع این‌ نکته که یک رییس‌جمهور بلافاصله پس از پایان دوره ریاست‌جمهوری خویش، صاحب‌مقام نخست‌وزیری شود، اتفاقی نادر در عالم سیاست بود و به همین سبب ضمن مطرح کردن مساله تقسیم قدرت میان پوتین و مدودف، بر ادامه ختمشی‌های پیشین مسکو نیز صحه می‌گذاشت. به نحوی که در نگاه نخست می‌شد ولادیمیر پوتین را صحنه‌گردان اصلی سیاست روسیه و دیمیتری مدودف را تنها به عنوان دارنده منصب ریاست‌جمهوری تلقی کرد. در این بین با وجود آنکه به نظر می‌رسید قدرت پوتین در مقام نخست‌وزیری، هر گونه تقسیم کاری را از جنبه ظاهری و تبلیغاتی برخوردار کند، با این حال جهت‌گیری‌های مدودف حکایت از وجود نگرش‌های بعضاً متضاد میان رهبران کرملین داشت.

نقطه اوج اختلاف‌های مدودف و پوتین در سیاست داخلی را می‌توان در برکناری یوری میخایلیوویچ لوزکوف شهردار مسکو مشاهده کرد. لوزکوف که به علت از دست دادن اعتماد رییس‌جمهور از سمتش برکنار شد، روابط بسیار نزدیکی با ولادیمیر پوتین داشت. اگرچه در آن زمان پوتین به عنوان رهبر حزب روسیه واحد از خود واکنشی نشان نداد، اما اخراج شهردار نشان‌دهنده شدت گرفتن رودرویی‌ها میان نخست‌وزیر و رییس‌جمهور بود. به خصوص که بسیاری از کارشناسان، درگیری بین کرملین و لوزکوف را به دلیل تمایل شهردار برای حمایت از انتخاب پوتین در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲ تلقی می‌کردند.

همچنین در حوزه سیاست خارجی نیز علاوه بر روندهای غرب‌پایانه که از سوی مدودف پیگیری می‌شد، اختلاف‌نظر رییس‌جمهور و نخست‌وزیر در قضیه لیبی عیان شد. به این ترتیب عملیات نظامی غرب در لیبی، برای نخستین بار اختلاف‌نظرها میان دو مقام حاکم را در روسیه به‌طور واضحی آشکار کرد و نشان داد که روند تعیین هویت روسیه در صحنه سیاست خارجی بر سر دواهی «اتانلیک‌گرایی» و «وراسیا‌گرایی» قرار دارد.

سناریوهای انتخابات

می‌توان چند سناریو را برای انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه در سال ۲۰۱۲ متصور شد:

- نامزدی مدودف: احتمال دارد که پوتین با توجه به فضای جامعه روسیه، از نامزدی خود صرف نظر کند و همچنان به حمایت از مدودف بپردازد.
- نامزدی پوتین: ممکن است مدودف در تصمیمی

جهان



عکس:رویتار

بررسی دورنمای انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه

جدال ناگزیر در کرملین

شعبیه بهمن*

مشترک، از نامزدی مجدد خودداری کند و یکبار دیگر پوتین به مقام ریاست‌جمهوری دست یابد.

۳. نامزدی پوتین و مدودف: چنین گزینه‌ای امکان دارد به دو دلیل روی دهد. نخست «تمایش انتخابات دموکراتیک» که طی آن پوتین و مدودف برای آنکه نشان دهند روسیه کاملاًدموکراتیک‌است، به رقابت می‌پردازند.

احتمالاً برنده انتخابات در این سناریو نمایشی، مدودف خواهد بود. اما در حالت دوم، احتمال دارد که پوتین و مدودف به شکلی واقعی رودروزی یکدیگر قرار گیرند. در چنین حالتی، اگرچه پیروزی پوتین بر مدودف حتمی است، اما این گزینه حکایت از افزایش شکاف‌ها در هیأت حاکمه روسیه خواهد داشت. در این سناریو پیروزی پوتین از آن جهت حتمی است که عمل‌وی بر تمام نهادهای اداری،اجرایی،قانون‌گذاری

نگاهی به ژنرال پترائوس، رییس جدید «سیا»

ژنرال پرده نو می‌زند یا هنجار کهن؟

عرفان قانعی فرد*

اجرای سرطان پروستات- فوریه ۲۰۰۹- درست شش سال از حضور دیوید در فرماندهی عملیات آمریکا در جنوب عراق می‌گذشت. انسانی مقاوم است و شاید روحیه نظامی‌اش مانع شد تا در برابر غول سرطان، به روحیه خود خللی وارد کند. گرچه در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۰ در جلسه سنا غش کرد اما چند ساعت بعد درست و موزون راه می‌رفت و نمی‌خواست کسی او را تا دم در همراهی کند. دیوید در سال ۲۰۱۰ در یکی از نشریات سیاست خارجی به عنوان یکی از ۵۰ چهره جهان مطرح شد و حتی از موسسه AEI جایزه‌ای را هم دریافت کرد. نشریات جهان، نگاه‌های مشابهی به او دارند؛ در نشریه TIME جزو صدچهره بانفوذ جهان، در دبلی تلگراف دومین آمریکایی موثر و پرنفوذ و مرد سال است و دیگری او را جزو رهبران موثر آمریکامی‌داند. اما همه رسانه‌ها در شخصیت قوی و موثر او کمترین تردیدی به خود راه نمی‌دهند. اما پترائوس،



عکس:رویتار

داده‌اند. بر این اساس مدودف در حالی سعی می‌کند با حمله به روندهای اقتصادی دوران زمامداری پوتین، موضع مستقلی اتخاذ کند که جامعه روسیه همواره وی را در سایه پوتین دیده و شاید هنوز آمادگی نگاه به وی، به عنوان یک فرد مستقل را نداشته باشد. به همین دلیل مدودف سعی می‌کند به اشکل ساختن اختلافات پنهان خود با پوتین بپردازد تا در حوزه‌های انتخاباتی به عنوان کاندیدای مستقل شناخته شود. با این حال به نظر می‌رسد مدودف برای کسب آرا بدون حمایت پوتین از بحث چندان زیادی برخوردار نباشد. زیرا علاوه بر داخل و کنار آمدن با نهادهای نظامی -امنیتی و همچنین شناساندن خود به عنوان فردی مستقل، باید در خارج از روسیه نیز حمایت کسب کند. این در حالی است که مدودف در میان رهبران غربی محبوبیتی چندانی ندارد. در واقع به رغم آنکه رهبران کشورهای غربی از اصلاحات لیبرال‌گونه مدودف حمایت به عمل می‌آورند، اما همچنان پوتین را بازیگر اصلی و قدرتمندترین فرد در صحنه سیاست روسیه به شمار می‌آورند.

نایب‌د از یاد برد که اگر پوتین به هر ترتیب قصد نامزدی در انتخابات داشته باشد، پیروز این عرصه خواهد بود. به این معنا که حتی اگر هم پوتین و هم مدودف به عنوان نامزد در انتخابات شرکت کنند، بی‌شک نخست‌وزیر فعلی روسیه بر رقابتش چیره خواهد شد. همچنین اگر به هر دلیلی پوتین در انتخابات شرکت نکند و از نامزد دیگری به‌جز مدودف حمایت نماید، باز هم باید اذعان کرد که رییس‌جمهور فعلی روسیه توان پیروزی در انتخابات را نخواهد داشت. در واقع تصمیم‌گیری در این‌باره که رییس‌جمهور آینده روسیه چه کسی خواهد بود، به شخص پوتین بستگی دارد. در این بین انتخاب مجدد مدودف از یک سو به عدم حضور شخص پوتین در انتخابات و از سوی دیگر به حمایت وی از رییس‌جمهور فعلی بستگی دارد. بر این اساس مدودف تنها در صورتی می‌تواند یک دور دیگر رییس‌جمهور روسیه باقی بماند که پوتین از وی حمایت به عمل آورد. نباید از یاد برد که اگر پوتین از مدودف حمایت نمی‌کرد، وی هیچ‌گاه در سال ۲۰۰۸ به مقام ریاست‌جمهوری روسیه دست نمی‌یافت. با این اوصاف باید منتظر ماند و دید که پوتین و مدودف کدام یک از گزینه‌ها و سناریوهای فوق را انتخاب می‌کنند. البته به نظر می‌رسد همان‌طور که مدودف گفته، تصمیم درباره معرفی یک شخص برای مقام ریاست‌جمهوری باید واجد دو شرط باشد: اولاً، باید تصمیم یختمایی گرفته شود و ثانیاً این تصمیم باید بر اوضاع اجتماعی، معادلات سیاسی و برخورد مردم استوار باشد. اخیراً در یک نظرسنجی که توسط موسسه «لوادا» صورت گرفته، مردم روسیه درباره اینکه می‌خواهند چه کسی را در بهار ۲۰۱۲ به عنوان نامزدهای انتخابات ببینند، نظرات جالبی را ابراز کرده‌اند:

مطابق با این نظرسنجی، مردم روسیه بیش از آنکه به حضور مدودف در انتخابات ریاست‌جمهوری تمایل داشته باشند، به حضور مستقیم پوتین با راقبت مدودف و پوتین علاقه‌مند هستند. همچنین درصد افرادی که خواهان حضور هیچ‌یک از این دو در انتخابات ریاست‌جمهوری نیستند نیز قابل توجه است. از این رو به احتمال زیاد آنچه در انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه به نامزدی پوتین و مدودف منجر می‌شود، اوضاع و شرایط داخلی و خارجی روسیه است. در واقع پوتین و مدودف با عنایت به اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روسیه تصمیم خواهند گرفت که چه کسی در انتخابات به عنوان نامزد معرفی شود.

✽ پژوهشگر ارشد موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

✽

در بیم ایران – به اندازه آمریکا – در اینکه هدف تروریست‌های بین‌المللی قرار گیرد، تالش‌های بین‌المللی برای برقراری ثبات در عراق و افغانستان و نحوه تعامل دولت حامد کرزای در کابل . به هر روی همگان بر این باورند که ایران در پی افزایش نفوذ سیلسی در افغانستان است و به همین دلیل در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی در افغانستان فعال است .

ژنرال درباره عراق نیز می‌گفت: منافع مشترکی بین ایران و عراق وجود دارد و تجارت و دسترسی زابان ایرانی به مراکز مذهبی و زیارتی در عراق عوامل دیگری هستند. ژنرال از اظهار نظر درباره ایران نیز دور نمی‌ماند و همیشه سخن می‌راند: «تغییرات سیستم سیاسی، بررسی‌های فشار بر ایران و گسترش ائتلاف علیه تهران، عدم تمایل آمریکا به استفاده از نیروی خارجی علیه ایران، دفعه‌های رهبران کشورهای خلیج‌فارس و تعامل آنها با ایران، شایعه و نگرانی حمله نظامی به مراکز هسته‌ای ایران، کشورهای غربی و فرصت برای رویکرد دیپلماتیک با پرونده هسته‌ای ایران، بررسی فرصت برای حل دیپلماتیک این مساله، ضرورت همکاری اطلاعاتی نزدیک کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی برای مبارزه با تروریسم و رسیدن به یک راهکار مناسب .

هنوز تا ۶۰ سالگی‌اش یک سالی مانده است، او را در سال

۲۰۰۸ در جلسه‌ای در داخل حکومت عراق دیدم-احوالپرسی

ساده و امکان گفت‌وگو شاید وقت‌دیگر که امیدوارم دست

دهد - و تصور نمی‌کردم روزگاری بر مهم‌ترین سازمان

امنیتی جهان تکیه‌پزند. سخنانی غریب درباره ایران می‌گفت،

نخست‌زب لب‌غروند کردم، اما وقتی داخل هواپیما نشريت:

ایرانی را مرور می‌کردم، دیدم ت در اکثر صفحات نوشته‌اند:

توهین ژنرال، عدم شناخت او از ایران، اهانت ژنرال به ایران،

ادعای ضد و نقیض ژنرال، فرافکنی و اتهام‌های زنجمای ژنرال»

. به هر حال آن شب در بغداد، شاید سیاست‌های او را «تند،

خشن، جنگ‌طلبانه» دیدم که ممکن است گاه فرسنگ‌ها، به

دور از واقعیت بوده، اما نمی‌دانم امروزه در این کرسی جدید

بر همان ساز و هنجار کهن خواهند نمود یا پرده نو می‌زند!

... یا مدیر مشهورترین سازمان اطلاعاتی امنیتی جهانی قرار

راهی جدید برای تعامل با ایران وارد می‌شود؟ ایرانیان بعدها

از وی چگونه نام خواهند برد؟ و چه تأثیری در روابط ایران و

واشنگتن خواهد داشت؟

✽محقق تاریخ معاصر

گزارش

پس‌لرزه اقدام تروریستی نروژ

محمود قاضلی

■ به گزارش سایت خبری «سیویلا» دولت سوسیالیست یونان طرح قبلی خود مبنی بر ساخت یک مسجد در شهر آتن را که چندی پیش تصویب کرده بود، از دستور کار خود حذف کرد. دولت یونان تحت فشار رهبران افراطی حزب راست‌گرای لائوس (مردم) این کشور که هم‌اکنون چهارمین حزب پارلمان ۳۰۰ نفره این کشور عضو اتحادیه اروپا محسوب می‌شود، از ساخت مسجد در شهر آتن منصرف شده است. حدود یکسال پیش، دولت یونان به درخواست وزارت آموزش و پرورش و امور مذهب این کشور طرحی را در پارلمان برای ساخت مسجدی در منطقه «واتانیکو» واقع در جنوب غرب شهر آتن برای مسلمانان با هزینه دولت تصویب کرده بود. آقای جرج پاپاکاستنتینوس وزیر شهرسازی و محیط‌زیست یونان با ارایه طرح جدیدی برای توسعه منطقه «واتانیکو» عملاً طرح ساخت مسجد در منطقه را حذف کرده است.

مساله ساخت مسجد در شهر آتن از سال ۱۹۷۴ به روش‌های مختلفی مطرح شده و تاکنون دولت یونان تحت فشار افکار عمومی چندین بار طرح ساخت مسجد برای مسلمانان مقیم شهر آتن را تصویب ولی هر بار به بهانه‌ای این طرح را از دستور کار خارج کرد. قرار بود در چارچوب طرح تأسیسات مورد نیاز بازی‌های المپیک سال ۲۰۰۴ میلادی در آتن، مسجدی در شرق شهر آتن پایتخت یونان ساخته شود. این طرح که به تصویب پارلمان این کشور منلی رسیده بود با مخالفت کلیسای ارتدوکس عملی نشد و آتن به عنوان تنها پایتخت یک کشور عضو اتحادیه اروپا بدون مسجد باقی ماند. در حالی که حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ هزار مسلمان از کشورهای مختلف اسلامی در شهر آتن اقامت دارند، دولت یونان همچنان از اجازه ساخت مسجد در شهر آتن سر باز می‌زند و این در حالی است که این کشور ۱۰ میلیون نفری در تمام کشورهای اسلامی، به استثنای عربستان سعودی دارای کلیسای مستقل و بعضاً اسقف‌گرای است.

همچنین یک سخنگوی پلیس یونان اعلام کرد به دنبال قتل‌عام خونین ۲۲زوییه در نروژ، حضور امنیتی خود را در نزدیکی نمازخانه‌های مسلمانان و سایر اماکن مربوط مهاجران مقیم این کشور افزایش خواهد داد. به گفته وی



افزایش این امنیت در میان نگرانی‌هایی که بر سر‌قتل‌عام نروژ که کشته شدن ۷۷ نفر را در پی داشت، صورت گرفته است. مقامات اتحادیه اروپا طی یک جلسه اضطراری در هفته گذشته نسبت به خطر حملاتی به تقلید از نروژ هشدار داده‌اند. کارشناسان، شرایط یونان را برای ایجاد ناآرامی‌های افراط‌گرایانه مناسب می‌دانند، چراکه علاوه بر بحران اقتصادی این کشور، یونان در سال‌های اخیر به جایگاه اول نمازخانه‌های غیرقانونی در اروپا تبدیل شده است. این کشور در سال‌های اخیر، همواره با حملات گروه‌های راست افراطی نیز روبه‌رو بوده است. همچنین ماه نوامبر گذشته رهبر یک گروه نئونازی به شورای شهر آتن آن راه یافته است که برخی کارشناسان، این امر را عاملی برای درپیش گرفتن سیاست‌های ضدهم‌اجرت نسبت به مهاجران مسلمان و غیرمسلمان مقیم آتن می‌دانند.

این اقدام در حالی است که چندی پیش وزارت دین و آموزش یونان اعلام کرد مسلمانان برای ماه مبارک رمضان امسال می‌توانند در فضای استادیوم المپیک آتن و استادیوم صلح و دوستی در منطقه توفلویرو، حومه آتن دیدن‌انماز کنند. هرچند به‌نظر می‌رسد دولت سوسیالیست یونان به‌ظاهر این تصمیم را در پی حملات مرگ‌بار «آندرس برینگ برابوئیک» نروژی که وی از آن با عنوان نبرد علیه حمله مسلمانان به اروپا یاد کرده، اتخاذ نموده است. دولت یونان که در سه دهه اخیر و در پی فشار مسلمانان مقیم این کشور مجبور به اتخاذ تصمیمات مثبت در این زمینه شده بود این حملات را بهانه‌ای برای متوقف ماندن ساخت مسجد در پایتخت قرار داده است.

در حالی‌که به اقرار عامل حوادث نروژ، مسلمانان کانون تمرکز این حملات بودند اما ساعاتی پیش از دستگیری «برینگ برابوئیک» بسیاری از مفسران و رسانه‌های نروژی انگشت اتهام خود را به سمت مسلمانان نشانه رفته و آنها را مسوول این اقدام دانستند. به گفته رییس شورای اسلامی نروژ، مسلمانان در ساعاتی پس از این حملات، مورد حملات لفظی و فیزیکی قرار گرفتند، در حالی که این نوع رخدادها نباید در یک جامعه دموکراتیک رخ دهد و ما باید بتوانیم اختلاف‌های خود را بدون توسل به خشونت حل کنیم